

دبیر کمیته کردستان
محمد آسنگران

Tel: 0049 1633458007
E-mail: asangaran@aol.com

ایسکرا

۲۸۴

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

www.iskraa.org

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

چهارشنبه ها منتشر میشود

۱۸ آبان ۱۳۸۴ ، ۹ نوامبر ۲۰۰۵

abdolgolparian@yahoo.com

سر دبیر: عبدل کلپریان



حسن صالحی

پیرامون ایجاد "گارد آزادی" از سوی آنتی حکمتیستها

دوستان مبارزه نکنند در کنار ناسیونالیسم قرار می گیرند و فدرالیسم را باد می زند. این نوع عمل گرایی سطحی و مبتذل درست مانند عملکرد نیروهای ناسیونالیست کرد در کردستان است که مبارزه جویی را در مبارزه مسلحانه خلاصه می کردند و می کنند. این همان "اهل عمل" بودنی است که سنت ناسیونالیستی در کردستان از آن دم می زند تا عمل

حزب آنتی حکمتیست گارد مسلحی بنام "آزادی" تشکیل داده است. رهبران و فعالین این حزب تبلیغات زیادی بر سر تشکیل این نیروی مسلح براه انداخته اند. صرفنظر از ابعاد واقعی نیرویی که تازه تشکیلش اعلام شده، رهبران و کادرهای حزب (صالح سرداری یک نمونه اش است) چپ و راست قسم خوردن به سر این نیرو را به محکی برای مبارزه با فدرالیسم تبدیل کرده اند. ظاهرا هر کس که به شیوه این

صفحه ۳

۱۶ آذر را هر چه باشکوهتر بر گزار کنیم

کردستان برگزار و تا حدودی تثبیت نمایند. یک نگاه ساده و گذرا به تغییر و تحولات ایران و به خصوص تحركات اخیر در جنبش دانشجویی در سراسر ایران، مسائل و مباحثی که در جنبش دانشجویی مطرح است، از قبیل نقد این جنبش به حاکمیت و به میدان آمدنش در تحركات همین چند هفته گذشته،

صفحه ۶

حساس سیاسی اهمیت صد چندان دارد. سنت برگزاری این روز در کردستان بنا بر دلایل خاص تاریخی و سیاسی تا یکی دو سال پیش چندان گسترده و در ابعاد وسیعی نبوده است. در طول یکی دو سال گذشته دانشجویان دانشگاهها و مراکز عالی آموزشی بالاخره موفق شد ه اند سنت برگزاری این روز را تا آنجایی که ممکن بود و می شد در



نسرین رمضانلی

کمتر از یک ماه به ۱۶ آذر باقیمانده است. برگزاری هر چه باشکوهتر این روز و به میدان آمدن جنبش اعتراضی و بخشا رادیکال دانشجویی در ایران و به طبع آن در کردستان در این اوضاع و احوال

نمایندگان کارگران نساجی کردستان جلسه کمیسیون را ترک کردند

برخورد شدید نمایندگان روبرو شد و نمایندگان کارگران اعلام کردند این کمیسیون برای بررسی خواسته های کارگران اعتصابی نیست، بلکه کمیسویی برای محکوم کردن ما نمایندگان است و به این دلیل ما حاضر به شرکت در چنین جلسه ای نیستیم. نمایندگان با اعتراض به صحبت های نادر محمدی کمیسیون را ترک کردند و مذاکرات بدون نتیجه پایان یافت. کارگران نساجی خواهان تشکیل مجمع عمومی فوری شدند. قرار است مجمع عمومی روز پنجشنبه برگزار شود. روز

امروز یکشنبه ۱۵ آبان کمیسویی برای رسیدگی به خواسته های کارگران اعتصابی نساجی کردستان در اداره کار شهر سنندج تشکیل شد. نمایندگان کارگران در اعتراض به اتهامات محمدی جلسه کمیسیون را ترک کردند. نادر محمدی مسئول روابط عمومی اداره کار که در این کمیسیون حضور داشت با تعرض به نمایندگان کارگران نساجی کردستان اعلام کرد دلیل اعتصاب و همچنین ادامه اعتصاب نمایندگان کارگران میباشد. این اظهارات گستاخانه با

صفحه ۸

در صفحات دیگر

یک سوال از منصور حکمت

صفحه ۲

- صفحه ۲ کارگران شاهو حقوق و مزایای خود را میخواهند
- صفحه ۴ کارگران نساجی دستمزد شهریور ماه را گرفتند
- صفحه ۵ گزارشی از اعتصاب کارگران نساجی کردستان
- صفحه ۵ فرشید بهشتی زاد را شکنجه کردند
- صفحه ۷ مبارزه کارگران شاهو ادامه دارد
- صفحه ۷ پیام همبستگی کارگران شاهو به ...
- صفحه ۷ کارگران نساجی پیشنهاد دولت و ...
- صفحه ۸ مرگ جانخراش یک کارگر در سقز

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

یک سوال از منصور حکمت

از صفحه ۱



منصور حکمت

انترناسیونال: در بیانیه آمده است که طرح شعار فدرالیسم توسط برخی احزاب ایدئوکراسی از وجود چنین مطالبه ای در میان مردم نیست. در این صورت انتشار این بیانیه چه لزومی داشت؟

منصور حکمت: نه فقط شعار فدرالیسم جایی در ذهنیت و زندگی مردم ندارد، بلکه هویت قومی و قومگرایی بطور کلی هم در بین میلیونها مردم ساکن ایران محلی از اعراب ندارد. اما این متأسفانه برای

مصون داشتن مردم از فجایع و تراژدی هایی که قوم پرستی و قوم پرستان میتوانند ببار بیاورند کافی نیست.

به دنیای اطراف خود نگاه کنید و رویدادهای این دو سه دهه اخیر را مرور کنید. حکومت شرع و دولت آخوندی چه زمینه ای در ایران قرن بیستم داشت؟ ظاهراً هیچ. این مردمی بودند که هشتاد سال پیش تر مشروعه چیان را به روزی انداختند که میدانیم. آخوندیک قشر انگل بی آبرو و اسباب مضحکه مردم شهر و ده بود. دختران دو نسل قبل از ما بی حجاب مدرسه میرفتند. موسیقی و سینما جزء لاینفک زندگی مردم بود. با اینحال، امروز در آن جامعه جنون الهی و جهالت دینی و جانوران اسلامی حکم میرانند. یوگسلاوها از این صحبت میکنند که چگونه

قبل از این ماجراها قومیت و ملیتشان یادشان نبود. تصور چنین اوضاعی برایشان ممکن نبود. که هنوز هم باورشان نمیشود و نمیدانند چه شد که چنین شد.

اینکه قومیت و قوم پرستی در جامعه ایران ریشه و زمینه قوی ندارد و اینکه خواست فدرالیسم جایی در میان مردم ندارد، به این معناست که روندها و جریانها و جنبشهای اصلی در جامعه به این سمت سیر نمیکند. اما سوال این است که چقدر جامعه در برابر تحرکات قوم پرستانه مصونیت دارد و چقدر از پیش در مقابل هجوم آتی این واپسگرایی و ارتجاع قومی آمادگی دفاع از خودش را دارد. بقول نادر بکتاش ناسیونالیسم و قوم پرستی مانند ویروسهایی هستند که در حالت خفته به حیات خود شان ادامه میدهند و تحت شرایط

خاصی فعال میشوند و حتی گاه اپیدمی ایجاد میکنند. ناسیونالیسم و قوم پرستی در جامعه امروز ایران یک بیماری سیاسی - فرهنگی رایج نیست. اما نه ریشه کن شده و نه جامعه در برابر آن واکنش میدهد.

وجود همین فدرالیست ها و جماعات عقب مانده ای که از هم اکنون در اوج وقاحت و سفاهت صدور شناسنامه های قومی برای مردم در ایران را شروع کرده اند، گواه این است که این ویروس ریشه کن نشده است و میتواند، بخصوص در یک شرایط متحول و متلاطم سیاسی، مصائب زیادی ببار بیاورد. صدور این بیانیه برای ایجاد آمادگی و مصونیت در جامعه است. صدور این بیانیه همچنین اعلام بی شبهه این واقعیت به ناسیونالیستها و قوم پرستان و ملیون و روشنفران ناقص

العقل پیرامونی شان است که کمونیسیم کارگری قاطعانه جلوی این واپسگرایی میستاد و این جماعات و این تمایلات ضد انسانی و ضد کارگری را در میان مردم رسوا میکند. نمیشود مردم را بیست سال با مذهب اسیر کنند و بگویند و بعد بیست سال دیگر هم با قومیت و ملیت. ما اجازه نمیدهیم.

فدرالیسم شعاری ارتجاعی است

مصاحبه با نشریه انترناسیونال در باره شعار فدرالیسم اولین بار در خرداد ۱۳۷۵، ژوئن ۱۹۹۶ در انترناسیونال شماره ۲۱ منتشر شد

کارگران کارخانه شاهو در سنج همه حقوق و مزایای قانونی خود را میخواهند

از صفحه ۱



امروز ۱۶ آبان کارگران شاهو در کارخانه حاضر شدند. از طرف بخش اداری کارخانه به اطلاع کارگران رساندند که کارخانه روز ۱۵ آبان نهایتاً به کارفرمای جدید فروخته شده است. از قول مالک جدید کارخانه اعلام شده است همه کارگران روز ۱۷ آبان کار خود را آغاز میکنند و هیچ کارگری اخراج نخواهند شد.

قول داده اند که حقوق کارگران تماماً پرداخت خواهد شد. قرار بر این است که کارگران به مدت ۱۵ روز کار خود را از سر بگیرند و تمامی مواد خامی که در کارخانه موجود است مصرف شود. گویا بعد از صرف مواد خام موجود

نهایی فردا معلوم خواهد شد. کارگران شاهو تصمیم گرفتند که فردا ۱۷ آبان ماه همگی به سر کار برگردند.

نساجی شیان پاکل سنج

این کارخانه به تازگی در گردنه صلوات آباد سنج تاسیس شده است. در هفته گذشته دست دو کارگر لای چرخ دستگاهها گیر کرده و بشدت آسیب دیده است. یکی از کارگران که مدت ۲ ماه در این کارخانه کار می کند انگشتش شش شکسته و روز چهارشنبه گذشته سرکارگر این بخش دستش لای ماشین گیر کرده و انگشتش شکسته است. این کارگر به دلیل شوکی که بر اثر این حادثه به او وارد شد، دچار سکنه شده و هم اکنون در بیمارستان بستری است.

کارخانه شیان پاکل به تازگی آغاز به کار کرده است. ظرفیت این کارخانه ۴۰۰ تا ۴۵۰ نفر تخمین

گذشت کنند. کارگران در مقابل این گستاخی نادر محمدی و صدیق کریمی اعلام کردند از یک ریال خود هم صرف نظر نخواهند کرد و حق خود را می خواهند.

همزمان با این مذاکرات هیئت

حل اختلاف، پرونده ۵ کارگر اخراجی شاهو که به حکم اخراج خود شکایت کرده بودند را بررسی کرد. به این کارگران اعلام شده است که اداره کار بیمه این دوره از تاریخ اخراج تا کنون را پرداخت خواهد کرد. اما در مقابل به کارگران اعلام کرده اند که در مورد حقوق آنها نمی توانیم پاسخ گو باشیم. کارگران اعلام کرده اند که تمام حقوقشان را می خواهند. کارگران تاکید کردند که ما کار کرده ایم برای دستمزد و کسی به ما چیزی صدقه نمی دهد این حق ما است و ما حق خود را می خواهیم. بنابر این اخبار کارگران مصمم هستند که تا دریافت تمامی حقوقهای معوقه و مزایای خود دست از اعتراض برندارند. نتایج

زده میشود و دارای بخشهای مختلفی است که در حال حاضر فقط بخش گونی بافی آن شروع به کار کرده است و ۲۵ کارگر در این بخش کار می کنند. این ماشینها جدید و پیشرفته هستند اما کارگران را به کار با این ماشینها آموزش نداده و علت این حواث نیز بی تجربگی کار کارگران با ماشینها اعلام شده است.

نساجی کردستان

اعتصاب کارگران این کارخانه همچنان ادامه دارد. کارگران به بحث پیرامون ادامه اعتصاب و چگونگی ادامه آن برای تحقق خواستههایشان مشغولند و از طرف مدیریت و نمایندگان دولت تلاش می شود که حقوق دوران اعتصاب کارگران را پرداخت نکنند.

کمیته کردستان

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۳۸۴ آبان ماه
۷ نوامبر ۲۰۰۵

پیرامون ایجاد "گارد آزادی" از سوی آنتی حکمتیستها

از صفحه ۱

اجتماعی عظیم تری همچون انقلاب اجتماعی طبقه کارگر را تخطئه کند و به سخره بگیرد. تقدیس سلاح و رجعت به سنت ناسیونالیسم کرد خمیرمایه اصلی "گارد آزادی" را تشکیل می دهد.

اینکه امروز بر عده ای وحی نازل شده است که مبارزه بر علیه فدرالیسم و قومی گرای در گرو داشتن نیروی مسلح است، حقیقتاً ربطی به مبارزه واقعی و همه جانبه علیه مخاطراتی که جامعه ایران را تهدید می کند ندارد. آنتی حکمتیست ها در شرایطی جنبه نظامی مبارزه را در بوق می کند که از قضا این شرایط ایجاب می کند که به سازماندهی مبارزات کارگری و مردمی بر علیه جمهوری اسلامی پرداخت. افق انقلابی و سوسیالیستی را بر جنبش سرنگونی طلبی مردم حاکم کرد. رهبران کارگری را با این افق به جلوی صحنه کشاند و بر روی تشکل و سازمانیابی کارگران و مردم زحمتکش حول مطالبات انسانی شان خم شد. اما این دوستان سابق ما دارند شیپور را از سر گشادش می زنند. و این البته بهیچ وجه اتفاقی نیست. می گویند که روی آوری به عرصه نظامی و مبارزه مسلحانه - اگر چه گاذبی هم باشد - در امتداد مبارزه سیاسی و در خدمت پیشبرد خط مشی سیاسی معینی است. این خط مشی سیاسی چیست؟ چه چیز گارد آزادی را برای آنتی حکمتیستها ضروری کرده است؟ در این نوشته می خواهیم به این سئوالات پاسخ دهیم.

"گارد آزادی" ادعاها و واقعیات

آنتی حکمتیستها اکنون مدتهاست که از هژمونی راست در جامعه حرف می زنند. اینها معتقدند که راست در جامعه هر چه بیشتر دست بالا را پیدا کرده است و از همین رو اصیل ترین اعتراضات مردم بر علیه جنایت و ستمگری رژیم اسلامی را به هخا، الاحواز و یا

ناسیونالیسم کرد نسبت می دهند. اینها بر این باورند که ایران دارد به طرف سناریوی سیاه سوق پیدا می کند و جامعه در معرض فروپاشی قرار دارد. با تئوری فروپاشی و این تز که سوسیالیسم مردم را فراری می دهد امر سازماندهی و رهبری انقلاب اجتماعی طبقه کارگر را از دستور خود خارج کرده اند و در عوض برای برقراری فوری یک دولت موقت اشتلاقی تلاش می کنند. حتی استراتژی دولت موقت اینان نه حاصل انقلاب کارگران و مردم زحمتکش - چرا که از نظر آنها اصلاً انقلابی در کار نیست - بلکه ماحاصل فروپاشی جمهوری اسلامی است. و دولت موقت، ائتلافی خواهد بود از بخش هایی از خود دولت موجود و گروه های رنگارنگ غیر کارگری اپوزیسیون. و این معنایی جز یارگیری در کربورهای قدرت و از میان احزاب پارلمانی ندارد. بالاخره سیکل پایانی این پروسه باز نه بر فرمان و حکم انقلاب طبقه کارگر برای به کرسی نشاندن حکومت سوسیالیستی خویش که بر شکل فرمال و حقوقی استقرار یک حکومت جدید یعنی برگزاری رفراندوم استوار است. موضوعی که باز تاکید می کند که این دوستان سابق ما چقدر از امر فوری انقلاب کارگری و پیشبرد آن گریزان هستند. از نقطه نظر تئوریک این دوستان سابق ما به تصرف قدرت سیاسی بدون انقلاب اعتقاد دارند و بر این باورند که با ۱۰ هزار نفر نیروی نظامی می شود به خانه ۳ رهبر جمهوری اسلامی ریخت و کار رژیم را یکسره کرد. این تفکر به ناگزیر آلترناتیو "میان بر" دیگری جز بندو بست از بالا و یا انجام ماجراجویی نظامی در برابر خود نمی بیند.

وقتی به این تصویر نگاه می کنیم دلایل نظامی گری آنتی حکمتیستها و تبلیغات کر کننده حول آن نیز روشن می شود. وقتی که سازماندهی انقلاب اجتماعی امری است که حالا انجامش میسر

نیست و در عوض دولت موقت مطلوبیت فوری دارد، وقتی که بدون انقلاب و به شکل یک گروه مسلح می توان قدرت را بدست گرفت، آنگاه می شود زیر چیزهای دیگر زد و یا کارهای دیگر را کم رنگ تر کرد و مبارزه مسلحانه را در بوق کرد! آنگاه می شود که نیروی مسلح کوچکی را جایگزین کار بزرگ رهبری و سازماندهی انقلاب طبقه کارگر نمود. این خصوصیت جریان است که نه فقط اساساً ربطی به مبارزه عظیم اجتماعی طبقه کارگر ندارد که اصولاً هیچ پایگاه اجتماعی دیگری هم ندارد و از همین روز زمانی که به عرصه نظامی روی می آورد به ناگزیر در آن حل می شود و دچار کیش مبارزه مسلحانه می گردد. (به نوشته های افرادی نظیر صالح سرداری مراجعه کنید) من فکر می کنم که روی آوری اینها به مبارزه مسلحانه اساساً تابع چنین سیاستی است. اما به اعتقاد من روی آوری آنتی حکمتیستها به کار نظامی دلایل مشخص دیگری هم دارد که به عدم توفیق آنها در مبارزه سیاسی و اجتماعی مربوط است. واقعیت این است که محاسبات اینها قبل و بعد از جدایی از حزب کمونیست کارگری ایران درست از آب درنیامد. تئورهای راست کوروش مدرسی که پرچم آن در جریان مباحثات درونی بلند شد و سپس در حزب جدید التاسیس با همان محتوی به صورت دیگری فرموله شد، نتوانست نیروی چپی را در عرصه جامعه به گرد خود جمع آوری کند. افق مبارزه سراسری هر چه بیشتر بر روی آنها تنگ شده است. به این نتیجه رسیده اند که عمدتاً بر روی کردستان سرمایه گذاری کنند و ظاهراً از این دریچه در تحولات سراسری ایران جایی برای خود بیابند. پروپاگاندا "گارد آزادی" آنها نیز اساساً می خواهد در این منطقه آنها را مطرح کند. اما زمانی هم که بر کردستان فوکوس می کنند عاجز از رهبری مبارزه کارگری و توده ای به نوستالژی مبارزه نظامی در کردستان پناه می

برند. رزمندگی برای آنها در مبارزه مسلحانه معنی پیدا می کند. بخصوص اینکه بخش قابل توجهی از این دوستان از عهده کار دیگری جز کار نظامی بر نمی آیند. تشکل کارگری، سازماندهی مبارزات مردم در عرصه های مختلف هر چه بیشتر رنگ می بازد و نیروی مسلح ایجاد شده در بوق می شود. این دوستان حتی زمانی که در حزب ما بودند و برای عرصه فعالیت نظامی طرحهایی می آوردند علییرغم وفاداری حرفی به جایگاه شهرها در مبارزه جاری کردستان، از کوه و کمر سر در می آوردند. حالا هم همین افکار را در سر دارند. با این تفاوت که تبلیغات نظامی اینها قرار است که عدم موفقیت سیاسی آنها را نیز پوشاند.

با اینحال آنتی حکمتیستها در مصوبه پلنوم اخیرشان اصرار دارند که "گارد آزادی" می خواهد خطر تلافی جامعه را با قدرت پاسخ گوید و امنیت و آزادی مردم و بنیادهای جامعه را تضمین نماید. صرف نظر از فرض نادرستی که در این گفته وجود دارد - اینکه جامعه به سوی فروپاشی پیش می رود - به اعتقاد من نه حزب آنتی حکمتیستها و نه "گارد آزادی" شان نمی تواند پاسخی به احتمال بروز یک سناریوی سیاه در جامعه باشد. چرا که جریانی که واقعا می خواهد جامعه ایران را در برابر احتمالات مخاطره آمیز مصون نگه دارد، باید از همین حالا با شدت و حدت بیشتری به دنبال سازمان دادن و رهبری انقلاب اجتماعی طبقه کارگر و سوسیالیسم باشد نه اینکه انقلاب را کنار بزند و به دولت موقت ائتلافی بسنده کند. جریانی که واقعا می خواهد جامعه را از خطر قومگرایی و فدرالیسم نجات دهد نباید خود را در برابر آنها مغلوبه احساس کند و مبارزات مردمی را بنام آنها تخطئه نماید. جریانی که می خواهد جلوی هر گونه زد و بندی در بالا بر علیه مردم بایستاد باید به انقلاب از پایین اعتقاد داشته باشد

حسن صالحی

و پایه های قدرت طبقه کارگر را سازمان دهد نه اینکه در دالان های قدرت بدنبال موتلفین بورژوازی باشد. اگر جریانی از این خصوصیات برخوردار نباشد از بنیادهای فکری، سیاسی و سازمانی لازم برای مقابله با یک سناریوی سیاه فرضی نیز برخوردار نیست و متأسفانه این دوستان سابق ما چنین هستند. به اعتقاد من یک شرط واقعی مبارزه با یک سناریوی سیاه احتمالی تصفیه حساب کردن با تزهایی است که پیروزی کمونیست ها را تشکیل یک دولت موقت پا درخواهد داد. سوسیالیسم را دلیلی برای گریز مردم می داند و افق انقلاب اجتماعی طبقه کارگر را به پوته فراموشی می سپارد. "گارد آزادی" حزب و جریانی که به این تزها معتقد است، "فروپاشی سواری" را پیشه خود کرده و از هم گسیختگی جامعه از همین حالا فرض استراتژیک وی شده، نه فقط پاسخ "محکم" به سناریوی سیاه نداده است بلکه از نظر تحلیلی خود جزئی از صورت مسئله است. نمی شود که از یکطرف با اتخاذ سیاستهای راست روانه به اقتدار سنت اجتماعی و فکری راست در جامعه کمک کرد و سپس ادعا نمود که "حالا می خواهیم در برابر راست و خطر فروپاشی جامعه قاطعانه بایستیم". کسی این ادعا را جلدی نخواهد گرفت.

نقش و جایگاه مبارزه مسلحانه

من اینجا نمی خواهم به تفصیل وارد بحث جا و مکان مبارزه مسلحانه برای کمونیستها شوم. ما هم عرصه مبارزه نظامی را یکی از جنبه های فعالیت خود می دانیم و مطابق استراتژی روشنی در دستور کار خود قرار می دهیم. ضربه نهایی که ماشین دولتی بورژوازی را منهدم می کند کار قیام مسلحانه ای است که به فرمان حزب و شرکت کارگران و مردم زحمتکش به وقوع خواهد پیوست. تا آنجا که به کردستان بر می گردد با توجه به وجود سنت

پیرامون ایجاد "گارد آزادی" از سوی آنتی حکمتیستها

از صفحه ۳

حسن صالحی

مذهبی دارند و گروههایی از این منفذ در متن اوضاع نابسامان جمهوری اسلامی در ایران بدنبال نان و نوایی برای خود هستند. این تحولات را باید هوشیارانه و جدی دنبال کرد و پروژه و طرح فدرالیسم در ایران را به شکست کشاند. درست همانطور که ما پروژه دوم خرداد و رفردناوم را به شکست کشانیدیم. منتها من فکر می کنم که بالا گرفتن نزاع و کشمکش ملی و مذهبی علت و حتی شکل بروز يك از هم گسختگی احتمالی در ایران نخواهد بود. درست است که جامعه ایران در مقابل قومی گرایی و فدرالیسم واکنسینه نیست ولی احتمال اینکه افق قومی و فدرالیستی به افق غالب برای آینده ایران تبدیل شود بسیار ضعیف است. ما طبعاً با حضور قدرتمند در صحنه سیاسی ایران و مبارزه پیگیر و هوشیارانه با جریانات ناسیونالیسم این شانس و امکان را به کمترین درجه خود خواهیم رساند. همین امروز مبارزه متمدانه مردم ایران، اعتراضات گسترده کارگری، رادیکالیسم حاکم بر این مبارزات و هوشیاری نسل جوان و ... شاهدی بر این مدعاست.

* * *

انکارناپذیر جامعه ایران را مردود اعلام کنند چرا که آنها پس از آنکه حزب تازه ای را بنیان گذاشتند بیشتر از اینکه خود را با این تحولات مثبت و رادیکال مرتبط بدانند به سیاست های راست مرتبط دانسته اند. سیاست هایی که دست شستن از انقلاب، سوسیالیسم گریزی و گرفتن قدرت بهمراه بخش هایی از ارتجاع دولتی و اپوزسیون اجزای مهم و اصلی آن است.

۲- این يك واقعیت است که تاکید بر شعار فدرالیسم و تبلیغات ناسونالیستی، اخیراً در فضای سیاسی ایران گسترش بیشتری پیدا کرده است. جمع شدن نیروهای متعدد قوم پرست به گرد شعار فدرالیسم با حمایت ضمنی برخی از سیاستمداران آمریکا از يك طرف و از سوی دیگر تبلیغات ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی و نزاعهایی که بین این دو بلوک در جریان است طبعاً نگران کننده است. پا گرفتن شعار فدرالیسم و متحد شدن جریانات قوم پرست پفکی و واقعی به دور آن، علاوه بر مساله کرد زمینه دیگری هم دارد که آن تحولات عراق و بعد از آن است. دولت های دست ساز آمریکا و غرب در منطقه شالوده ای قومی و

کارگری بارقه های بسار امید بخشی را در مقابل ما به نمایش می گذارد که ما پیش از آن شاهدش نبوده ایم. کارگران برای پیگیری مطالبات خود با بکارگیری شیوه های مبارزه رادیکال دست به مبارزه میزنند؛ تلاشهای وسیع و گسترده ای برای جریان است؛ همبستگی بین المللی با مبارزات کارگران ایران به يك وجه مشخصه دوره کنونی تبدیل شده است؛ رهبران و فعالین کارگری دارند به چهره های شناخته شده مبارزاتی در عرصه کشوری و بین المللی تبدیل میشوند؛ و مبارزه برای خواستهای سراسری نظیر افزایش دستمزد سیمای تعرضی تر را به جنبش کارگری داده است. و اینها علاوه بر تحرکات با شکوه ۱۶ آذر، مبارزات زنان، معلمان، پرستاران، جوانان و همایش های مربوط به روز جهانی کودک است که جمهوری اسلامی را کلافه کرده است. حتی اعتراضات اخیر مردم کردستان - که پاسخ دندان شکنی به جمهوری اسلامی و قداره بندانی چون احمدی نژاد بود - گواه دیگری است که مردم بدنبال فدرالیسم نیستند و طالب خواستهای انسانی خود هستند. من به آنتی حکمتیستها حق می دهم که این واقعیات

توده های وسیعتر يك اقدام نتیجه بخش در يك آینده قابل پیش بینی تلقی بشود. توده وسیعتر زحمتکشان تنها در متن تناسب قوای سیاسی بهبود یافته تری به این شکل از فعالیت میپیوندند، یعنی وقتی که پیوستن به مبارزه مسلحانه گامی منطقی در مقایسه با سطح موجود اعتراض سیاسی در جامعه باشد. رسیدن به این تناسب قوای سیاسی دیگر کار فشار نظامی به تنهایی نیست.

در باره ارزیابی از اوضاع سیاسی

مایلم هستم که بر سر دو موضوع پیرامون تحلیل اوضاع سیاسی ایران که آنتی حکمتیست ها بدان اشاره دارند اثباتا اظهار نظر کنم.

۱- همانطور که گفته شد این دوستان هر چه می گذرد احتمال بروز سناریوی سیاه جامعه ایران را قویتر می دانند. تصویری از جامعه ایران که با واقعیت منافات دارد. به نظر من علیرغم تصور و باور اینها، جنبش انقلابی کارگران و توده مردم برای به زیر کشیدن جمهوری اسلامی و برچیدن بساط سرمایه داری به جلو آمده است. تنها نگاه به جنبش

مبارزه مسلحانه در این منطقه ابراز وجود نظامی بطور عاجلتری در دستور است. اما ابراز وجود مسلحانه ما با سنت های تاکنون موجود در کردستان به دلیل خصلت اجتماعی متفاوت ما زمین تا آسمان فرق دارد. به قول منصور حکمت "این وجه مبارزه یکی از اشکال فعالیت ماست. فعالیتی که برای حرکت های غیرکارگری و غیرکمونیستی در کردستان احتمالاً تمام موجودیتشان را بیان میکند، تنها گوشه ای از فعالیت ماست."

اینکه این ابراز وجود مسلحانه در هر دوره چگونه باید باشد تابعی از فاکتورهای گوناگون است. آنچه مسلم است شهرها در ابراز وجود نظامی ما نقش اصلی را دارند. من فکر می کنم که ابراز وجود نظامی ما در شرایط کنونی کردستان باید از طریق ایجاد هسته های مسلحی باشد که هدف خود را زدن ضربه نظامی به رژیم تعریف نکرده اند بلکه اهداف تبلیغی و یا حفاظتی بعهده دارند. و بالاخره همانطور که منصور حکمت می گوید "توده ای شدن مبارزه مسلحانه مستلزم پیدایش شرایط سیاسی و سطحی از تحرك توده ای در سطح مبارزه اقتصادی و سیاسی است که در آن مبارزه مسلحانه بتواند توسط

کارگران نساجی کردستان دستمزد شهریور ماه را گرفتند

از صفحه ۱

ما همه کارگران و مردم سنندج و دیگر شهرها را فرا میخوانیم که از خواسته های کارگران نساجی حمایت کنند.



کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

۱۳۸۴ آبان ۴

۵ نوامبر ۲۰۰۵

مهر ماه کارگران همچنان متحدانه ایستاده اند.

مهر ماه کارگران همچنان متحدانه ایستاده اند. اکنون که کارگران توانستند دستمزد شهریور را بگیرند، با قدرت

اعلام کرده اند که تمام مطالبات آنها باید اجرا شود.

یکی از خواسته های کارگران پرداخت حقوق دوران اعتصاب است.

در این مدت که کارگران در اعتصاب بسر برده اند نمایندگان

کارگران بشدت تحت فشار و اذیت و آزار بوده اند. آنها را بازداشت، احضار، و آزار جسمی داده اند. با وجود تمام سختی های تحمیل شده و عدم پرداخت دستمزد شهریور و

کارگران نساجی کردستان در شهر سنندج از روز دوم مهرماه ۱۳۸۴ در اعتصاب بسر میبرند. کارگران این کارخانه صبح زود روز پنجشنبه ۱۲ آبان دستمزد شهریور ماه خود را گرفتند.

کارفرمای این کارخانه و مقامات دولتی در شهر سنندج اعلام کرده اند که دستمزد کارگران در دوران اعتصاب را نمیپردازند. ۴۰۸ کارگر این کارخانه متحدانه

گزارشی از اعتصاب کارگران نساجی کردستان

این قانون فقط دارد از شما دفاع می کند این قانون را شما نوشته اید و برای شما است نه برای ما کارگران.

از صفحه ۱

کردستان همچنان ادامه دارد چه کسی به فریاد ما خواهد رسید. طبق اخباری که به دست ما رسیده است لیست تعدادی از فعالین کارگری را اعلام کرده اند و گفته اند تعدادی را مخفیانه می ربایند و مورد تهدید قرار می دهند. اطلاعات اعلام کرده است که حزب کمونیست کارگری ایران دارد این اعتصابات را رهبری می کند. گفته اند سر نخهای این ارتباطات را پیدا کرده اند. دیروز جلسه ای کاملاً محرمانه در استانداری برگزار شده است که سپهر معاون سیاسی استانداری نیز در این جلسه محرمانه حضور داشته و اعلام کرده است باید تعدادی را تحت فشار قرار دهیم تا شکل ارتباط گیری کارگران را با حزب کمونیست کارگری ایران پیدا کنیم. به این بهانه می خواهند نمایندگان ما و کارگران فعال را تحت فشار قرار دهند.

**کمیته اعضاییون
نساجی کردستان**
۱۲ آبان ماه ۱۳۸۴

بازتکثیر از
**کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری ایران**

همچنین اعلام کردند حالا که شما اختیار تام دارید، بنیاد ادعای خسارت کرده است و ما کارگران را مقصر اعلام کرده است که باید ۴۵۰ میلیون تومان خسارت پرداخت کنیم، چه کسی در مقابل این ادعا جوابگو است. شما آقای سپهر جوابگو هستید یا دوباره به ما کارگران و دستمزدهای ما تعرض می کنید. سپهر اعلام کرد شما استارت کار را بزیند بعدا شما می توانید از طریق قانونی اقدام کنید و قانون هر کسی را مقصر شناخت باید خسارت را پرداخت کند. کارگران اعلام کردن این قانون فقط دارد از شما دفاع می کند این قانون را شما نوشته اید و برای شما است نه برای ما کارگران.

سپهر اصرار داشت که کارگران اعتصاب را تمام کنند. مذاکرات کارگران و سپهر از ساعت ۱۰ شب چهارشنبه تا ساعت ۲ بامداد پنجشنبه به طول انجامید و در نهایت بی نتیجه ماند. تقلائی معاون سیاسی استانداری برای فریب کارگران این بار نیز با شکست روبرو شد و سپهر دید در مقابل عزم جزم شده ما کارگران آنها خیلی ضعیف و زبون هستند. اعتصاب ما کارگران نساجی

به سایر ارگانها اطلاع خواهد داد. روز چهارشنبه ۱۱ آبان ماه فرشید بهشتی زاد را ربوده و او را به اطلاعات برده اند. وی را به شدت شکنجه کرده و به کارخانه فرستادند صورت فرشید بهشتی زاد بشدت زخمی و کبود بود. جای شکنجه بر صورت و گردن وی مشهود بود. ساعت ۱۰ شب چهارشنبه ۱۱

آبان معاون سیاسی استاندار با بیش از ۴۰ نفر از نیروهای اطلاعات حراست و انتظامی وارد کارخانه شدند و در سالن غذا خوری با کارگران به مذاکره پرداختند.

سپهر معاون سیاسی استاندار اعلام کرد ما اینجا آمده ایم تا کارخانه استارت کار را بزنند. و من حوصله بحث و مذاکره ندارم شما ماشینها را استارت بزنید بقیه مشکلات و حقوق شما از راه قانونی حل خواهد شد. سپهر اعلام کرد در رابطه با اعتصاب شما ما اختیار تام داریم، من به شما قول می دهم که شما با استارت ماشینها به خواستهاتان خواهید رسید.

کارگران اعلام کردند زمانی که صورت جلسه و توافقات توسط کارفرمای ما که بنیاد است امضا نشده است هیچ تضمینی برای اجرای خواستههای ما نیست. کارگران

استانداری با حضور همان اشخاصی که روز قبل در کمیسیون کارگری حضور داشتند، برگزار شده است. در این جلسه مسئولین دولتی اعلام کردند کارگران باید به سر کار خود باز گردند و کارخانه شروع به کار کند. این جلسه تصمیم گرفته است اگر کارگران کار را آغاز نکنند، کارخانه از طرف بنیاد تعطیل اعلام شود.

روز ۱۱ آبان ماه محمد نادری از طرف روابط عمومی اده کار به کارخانه آمد. کارگران اعلام کردند ما نتایج نشست دیروز کمیسیون کارگری را قبول نداریم زیرا تصمیماتی که اتخاذ شده است صورت جلسه آن توسط مسئولین دولتی امضا شده که ما به اعتصاب پایان دهیم. اما بنیاد جانپازان که کارفرمای ما است، این صورت جلسه را امضا نکرده است. بنابر این تصمیمات کمیسیون فقط ترفندی از جانب دولت و کارفرما علیه ما کارگران است.

کارگران اعلام کردند ما خواهان یک نشست دیگر هستیم که همان نمایندگان اطلاعات و حراست و استانداری و کارفرما حضور داشته باشند و نمایندگان ما نیز حضور داشته باشند. نادر محمدی به کارگران قول داد که خواست آنها را

روز ۱۰ آبان ماه سال جاری طی مذاکراتی که با حضور سپهر معاون سیاسی استانداری، صادقی زاده رئیس اداره کار، ضامنی رئیس حراست و تعدادی دیگر از این نیروهای اطلاعاتی و بشارتی مدیر کارخانه کمیسیون کارگری تشکیل شد، که نمایندگان ما کارگران نیز در آن حضور داشتند. در این کمیسیون مصوبه ای به امضا رسید که این مصوبه را تمامی کسانی که حضور داشتند امضا نمودند بجز بشارتی مدیر کارخانه که این صورت جلسه را امضا نکرد. روز ۱۱ آبان ماه کارگران در مجمع عمومی متوجه شدند که این صورت جلسه توسط بشارتی امضا نشده است. هیچ یک از نمایندگان دولت که این صورت جلسه را در اختیار داشتند اعلام نکردند که این صورت جلسه توسط بشارتی امضا نشده است. در این مجمع عمومی کارگران اعلام کردند که طرف اصلی کارگران بنیاد است، بنابراین باید این صورت جلسه و توافقات را یکی از مسئولین بنیاد امضا کند. اما بنیاد از امضا توافق نامه خود داری کرد. کارگران از این وضعیت ناراضی بودند به همین دلیل تصمیم به ادامه اعتصاب گرفتند. در همین روز جلسه ای در

جان و امنیت نمایندگان ما در خطر است ما را دریابید

فرشید بهشتی زاد را شکنجه کردند

از صفحه ۱

ما همه سازمانهای کارگری و مردم و کارگران را به حمایت از اعتصاب بر حق کارگران نساجی و نمایندگانمان فرا میخوانیم. جان و زندگی فعالین کارگری و نمایندگان ما در خطر می باشد. دستگیری، بازداشت، احضار و تهدید و شکنجه نمایندگان کارگران نساجی باید محکوم شود.

**کمیته اعضاییون نساجی
کردستان**
۱۱ مهر ماه ۱۳۸۴

بازتکثیر از
**کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری ایران**

بازجویی قرار گرفته و تهدید شده اند. در طول مدت اعتصاب شیث امانی، حسن شریعتی، هادی زارعی، اقبال مردادی، احمد فاتحی، و ابراهیم محمد پناه و ... بارها از طرف مقامات امنیتی و دولت احضار و مورد بازجویی قرار گرفته اند.

کمیته اعضاییون نساجی کردستان یک بار دیگر به جهانیان اعلام می کند که نمایندگان و فعالین کارگری هیچ امنیت جانی و روحی و روانی نداشته و هر روز از طرف مقامات امنیتی و اطلاعاتی به بهانه های واهی احضار و بخشا تهدید و شکنجه می شوند.



در سراسر جهان می خواهیم این عمل ضد کارگری مقامات دولتی در سنج را محکوم کنید.

اقدام کارگران اعتصابی برای ایجاد صندوق همبستگی با اعتصاب، با تهدید نیروی انتظامی و مقامات اطلاعاتی و امنیتی روبرو شده است. در این مدت نمایندگان ما بارها احضار شده و به اداره اطلاعات برده شده و مورد

به کارخانه برگشت. فرشید بهشتی زاد روز ۹ آبان بازداشت و روز ۱۰ آبان آزاد شد. اما روز ۱۱ آبان دوباره بازداشت و به زیر شکنجه برده شد. دیگر نمایندگان ما مرتب تهدید و احضار میشوند. آخرین نمونه تعرض به فرشید بهشتی زاد هشدار دهنده است. ما به دلیل خطر جانی برای نمایندگانمان نگرانی عمیق خود را به اطلاع شما میرسانیم و خواهان اقدام عاجل شما علیه حاکمان هستیم. دولت مسول جان نمایندگان ما است.

ما از همه شما انسانهای آزادیخواه، از همه شما فعالین کارگری و همه اتحادیه های کارگری

**کارگران، مردم آزادخواه!
اتحادیه های کارگری در
سراسر جهان!
با درود به همه شما!**

ما کارگران اعتصابی نساجی کردستان در شهر سنندج که ۴۲ روز از اعتصابمان می گذرد هنوز به خواسته هایمان نرسیده ایم.

دو ماه و دوازده روز است حقوقی دریافت نکرده ایم. نمایندگان ما از طرف نیروهای امنیتی دولت بارها احضار، بازداشت و شکنجه شده اند. دیروز چهارشنبه ۱۱ آبان ماه یکی از نمایندگان ما به اسم فرشید بهشتی زاد برای چندمین بار بازداشت و بعد از چند ساعت با سرو صورت خونی

۱۶ آذر را هر چه باشکوهرتر برگزار کنیم

نسرین رضاعلی

از صفحه ۱

موجود در جنبش های اجتماعی از کارگری و زنان و معلمان گرفته تا کودکان را بر خود داشته باشد.

۱۶ آذر و به میدان آمدن جنبش اعتراضی دانشجویی در این روز با برگزاری گسترده تر و سازمان یافته جنبش دانشجویی در تشبیت سننهای رادیکال این روز به عنوان سنبل مبارزه بر علیه بربریت اسلامی و تاکید بر اهداف و جهت گیریهای کلی و رادیکال جنبش سرنگونی مردم ایران و دخالت در جدال های سیاسی و مبارزاتی این جنبش در پیشاپیش مبارزات مردم بر علیه جمهوری اسلامی قطعاً در این روز تأثیرات خودش را بر کلیت مبارزات مردم در کردستان و در رویارویی شان در جدال های آتی سیاسی برجا خواهد گذاشت. تبدیل سنت برگزاری این روز با تمام مطالبات سرکوب شده نه فقط دانشجویان، بلکه مردم کردستان در پیوستگی و هم سرنوشتی کلیت مبارزه مردم ایران و حضورش در کنار جنبش های اجتماعی و اعتراضی آن پیامی است که در این روز باید بر پرچم مبارزاتی دانشجویان حک شود. ۱۶ آذر را در کردستان امسال باید باشکوهرتر و هدفمندتر و سازمان یافته تر از سال های پیش برگزار کرد. به استقبال این روز برویم و از همین امروز تمام امکانات و نیرویمان را در هر چه وسیعتر و سازمان یافته تر برگزار کردن این روز به کار بگیریم. ۱۶ آذر فقط يك مناسب نیست ۱۶ آذر روز رویارویی کلیت مبارزه مردم با رژیم جانیان اسلامی و روز به مصاف طلبیدن جمهوری اسلامی است. به این اعتبار این روز نقش تعیین کننده در رابطه حکومت و مردم دارد. ترس و وحشت رژیم کاملاً مشهود است. باید این روز را نه فقط گرامی بلکه سنت و رسم رادیکال و اعتراضی و ضد رژیمی اش را همیشه زنده و و پرچمش را برافراشته تر نگه داشت.

نشان نداد. در هر حال همانطوریکه بالا اشاره کردم همه چیز و کل مبارزه مردم در هر شکل و ابعاد اجتماعی که در جریان می باشد باید مسئله جنبش دانشجویی باشد. ۱۶ آذر امسال باید بتواند به همه این چراها جواب بدهد. برگزاری هر چه باشکوهرتر این روز چه در دانشگاهها و چه ابراز وجود علنی جنبش های اعتراضی و اجتماعی از جنبش کارگری گرفته تا جنبش زنان، کودکان باید ملموس باشد. باید در این روز شعار آزادی و برابری نان، آزادی برای همه، حمایت از مبارزات کارگران نساجی، حمایت از مبارزات زنان و کودکان بر پرچمش حک بشود. تمامی دانشگاهها و مراکز عالی آموزشی از همین امروز باید در تدارک و سازماندهی برگزاری هر چه باشکوهرتر این روز باشند. این روز فقط يك مناسب نیست. معنای خاص سیاسی و ابعادی اجتماعی پیدا کرده است. تبدیل به روز و سنبل ابراز وجود علنی جنبش سرنگونی خواهی مردم ایران و نقشی که دانشجویان به عنوان قشر آگاه جامعه در آن می توانند داشته باشند شده است. اتوریته و رهبری فکری و سیاسی و عملی جنبش دانشجویی با تمام رادیکالیسمی که در جامعه و اعتراضات مردم دیده می شود باید بازتاب خود را در این جنبش نمایان کند. دانشجویان و رهبران عملی و سازماندهندگان مراسمهای این روز باید در سخنرانی ها و اعتراضاتشان بر ضرورت هم سرنوشتی مبارزات کارگران و مردم و معلمان و زنان و کودکان بر علیه کلیت رژیم تاکید کرده و پیوستگی جنبش سرنگونی طلبی مردم ایران و تمام اقشار جامعه را به نمایش بگذارند. در این روز باید گرایشهای حکومتی و احیانا پس مانده های دوم خردادی و جریسانات ناسیونالیستی به حاشیه رانده شوند. این روز روز مبارزه و اعتراض دانشجویان و به عبارتی سنبل مبارزات رهایی بخش مردم ایران است و باید رنگ سرخ و رادیکالیسم

بخشا تعیین کننده در کل مبارزه مردم ایران برای سرنگونی جمهوری اسلامی کرده است. از این بابت و پیرامون اهمیت برگزاری این روز در کردستان و باز تعریف دوباره نقش و جایگاه جنبش دانشجویی در تغییر و تحولات جاری و آتی جامعه کردستان اهمیت بسزایی دارد.

با تمام این تفاسیر باید هر چه قدرتمندتر و آماده تر به استقبال برگزاری این روز رفت و آن را تبدیل به يك سنت اعتراضی و يك روز اعتراض و مبارزه بر علیه کل حکومت در کردستان کرد. در این روز برخلاف سال های گذشته که دیر و بخشا بدون آمادگی و بدون سازماندهی و نهایتاً در محیط های بسته و در دانشگاهها این روز را گرامی می داشتند، دیگر اینها پاسخگو جنبش سرنگونی طلبی که هر تك تعرض جمهوری اسلامی در شهرهای کردستان با ابعادی بغایت گسترده از جانب مردم روبرو می شود، نیست. نباید فقط به آنچه تا به حال بوده اکتفا کرد. باید جلوتر رفت چرا که کل تحولات جاری در کردستان و اوضاع سیاسی ایران و کردستان بسیاری از فاکتورها عوض شده اند. دیگر برگزاری این روز در دانشگاهها و در سالن های در بسته و کنترل شده با دخالت انجمن های اسلامی برای مهار وجه اعتراضی و ضد رژیمی این روز باید تمام شود. هر چیز جامعه کردستان و کل امورات سیاسی و اعتراضی و اجتماعی و بخشا و مهمتر از همه مبارزات جاری مردم بر علیه حکومت تماماً به این جنبش یعنی جنبش دانشجویی ربط دارد. نمی شود رفت و توی دانشگاه و پشت در های بسته سمینار و جلسات سخنرانی سازمان داد و به مبارزات کارگران و مردم بی تفاوت بود و در آن حضور به هم نرساند. نمی شود به کل مبارزات اجتماعی کارگران زنان کودکان فقط نگاه کرد و نهایتاً به يك ابراز همدردی اکتفا کرد. نمی شود به کل مبارزه مردم بر علیه حکومت نگاه کرد و نسبت به آن واکنشی

۱۶ آذر، روز آزادی و برابری!



روز "نه" به جمهوری اسلامی!

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran

بدون شك تأثیرات خودش را بر جنبش دانشجویی و فضا و جو مبارزاتی و اعتراضی در این بخش جنبش دانشجویی در کردستان نیز گذاشته است. جنبش دانشجویی و مبارزات دانشجویی در کردستان تا یکی دو سال پیش بنابر دلایل خاص و بویژه وجود فضا و جو سرکوب و کنترل در دانشگاههای کردستان و بخشا مشکلائی که خود این جنبش با آن درگیر بوده است موانعی را بر سر راه برگزاری این روز گذاشته است که امروز می شود گفت که تا حدودی آن فضا و جو شکسته و رادیکالیسم مبارزات و اعتراضات مردمی کردستان بر علیه کل حاکمیت از جنبش جوانان و زنان و کودکان گرفته تا جنبش کارگری و بویژه مبارزات و اعتصابات کارگران نساجی در سال گذشته، گذاشته است. در همین رابطه يك نگاه ساده به ابعاد و اشکال و گستردگی جنبش های اجتماعی در کردستان و دیدن پیشرویه های این جنبش های اجتماعی این سوال را بر هر ناظر خارجی مطرح می کند که جایگاه و مکان و نقش جنبش دانشجویی و بویژه برگزاری روز ۱۶ آذر چیست و دانشگاهها چه نقشی در هدایت و تأثیرگذاری بر کل رهبری و هدایت جنبش های سیاسی و اجتماعی در

کردستان داشته و می توانند و یا باید داشته باشند.

این واقعیتی انکار ناپذیر است که قشر دانشجو و تحصیل کرده سنتا در جوامعی مثل ایران به جرات می توان گفت که همیشه نقش پیشتاز و رهبری فکری و سیاسی جنبش های اعتراضی بر علیه حکومتها را داشته است. این هم واقعیت است که این جنبش علیرغم تمام دستاوردهایی که در کل جنبش دانشجویی بدست آورده و بخشا تثبیت کرده است در کردستان از موقعیت دیگری برخوردار است. برای نمونه سنت برگزاری سالگرد ۱۶ آذر که در سراسر کشور تقریباً تثبیت شده است و هر ساله این روز را نه تنها گرامی می دارند بلکه تبدیل به روز اعتراض و مبارزه علنی بر علیه حکومت شده است. این روز طی چند ساله گذشته که ابراز وجود علنی اش می گذرد مصافها و تغییر و تحولات و پیروزیهای بزرگی را بدست آورده است. تثبیت خود سنت برگزاری این روز و تحمیل آن به جمهوری اسلامی، به میدان آمدن جنبش اعتراضی دانشجویی و نشانه رفتن حکومت از طرف این جنبش، کل این روز و این جنبش را تبدیل به یکی از روزهای مهم و پر تحول و

مبارزه کارگران شاهو ادامه دارد

از صفحه ۱

شاهو با قرارداد موقت داشته اند، همچنان بلا تکلیف میباشند. همه این کارگران خواهان بازگشت به کار هستند. این کارگران اکثراً جوان هستند و کارفرما علناً اعلام کرده است که نیروی جوان باعث اغتشاش در کارخانه است. اعتراضات این ۴۰ کارگر علیه کارفرما همچنان ادامه دارد و ۱۹ نفر از کارگران رسماً از کارفرما شکایت کردند از طرف اداره کار شکا یت این ۱۹ کارگر به ۴ گروه تقسیم شده و قرار است پرونده هر گروه جداگانه به هیئت تشخیص داده شود امروز هیئت تشخیص تشکیل شد و اولین گروه که شامل ۵ پرونده میشود بررسی گردید. قرار است روز ۲۸ آبان ماه به این ۵ پرونده جواب داده شود و فردا ۵ پرونده دیگر مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

**کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری ایران**
۱۵ آبان ۸۴ - ۶ نوامبر ۲۰۰۵

مبارزات طولانی به کارفرما تحمیل کنند، برای گرفتن سایر مطالبات خود همچنان در مقابل اداه کار و دیگر ادارات دولتی به اعتراضات خود ادامه داده اند. امروز کارگران در مقابل اداره کار علاوه بر مطالبه پرداخت دستمزدهای معوقه خواهان رسیدگی به حق بیمه و مزایای دوران بلا تکلیفی خود شدند. کمیسیون کارگری در اداره کار امروز در این مورد جلسه داشت.

- همزمان با این تجمع ۴۰ نفر دیگر از کارگران شاهو که دو ماه پیش در حین اعتصاب حکم اخراجشان از طرف مدیریت اعلام شد. امروز ۱۹ نفر از آنها که ۲ تا ۴ سال سابقه کار در کارخانه را دارند در مقابل اداره کار تجمع کردند. کمیسیون کارگری قرار بود به شکایت این ۱۹ کارگر هم بپردازد. ۲۱ نفر دیگر از این ۴۰ نفر که ۶ ماه تا یکسال سابقه کار در کارخانه

شاهو که پارسال از کار خراج شده بودند چهارشنبه گذشته ۱۱ آبان ماه توانستند حقوق و مزایای خود را از کارفرما بگیرند. این کارگران هنگام اخراج مبلغی دستمزد معوقه داشتند به اضافه حق بازنشستگی و مزایای کاری دیگر که کارفرمای شاهو حاضر به پرداخت آن نبود. کارگران در مقابل طلب خود بیش از ۵۰ تن نخ کارخانه را توقیف کردند. بعد از یکسال دوندگی در ادارات مختلف دولتی بالاخره توانستند حقوقها و مزایایی خود را روز چهارشنبه دریافت کردند. با پرداخت حقوق و مزایای این ۱۸ کارگر ۵۰ تن نخ توقیف شده کارخانه هم از توقیف خارج شد.

- امروز یکشنبه ۱۵ آبان ماه ۲۸ کارگر اخراجی شاهو که قبلاً با تلاش و مبارزه خود توانستند مجدداً به سر کار باز گردند و مقداری از حقوق خود را با

اند کارگران شاهو و نساجی کردستان همچنان محکم ایستاده اند و مطالباتشان را میخواهند.

- دیروز کارگران کارخانه نساجی شاهو برای چندمین بار مجدداً به کارخانه رفتند و خواهان این شدند که بلاخره تکلیف کارشان و کارخانه را روشن کنند. از طرف مدیریت اعلام شد کارفرمای جدید روز دوشنبه ۱۶ آبان در کارخانه حضور خواهد داشت و نتیجه نهایی اعلام خواهد شد. همچنین به کارگران اطمینان خاطر دادند که کارفرمایی جدید "یدی رویشنگ" همه کارها را ردیف کرده است. معلوم است که کارگران به این وعدها اعتمادی ندارند. می دانند اینها تنها ترفندی است که کارگران را میخواهند با آن آرام کنند.

- ۱۸ کارگر نساجی

مبارزه و اعتراض کارگران شاهو بعد از ماهها اکنون به مرحله تازه ای رسیده است. کارگران به چند دسته و گروه تقسیم شده اند. کارفرما و ادارات دولتی آگاهانه تلاش میکنند آنها را به دسته های کوچک تقسیم کنند. اکنون در کارخانه شاهو که ۱۳۸ کارگر دارد به یک گروه ۲۸ نفره که از اول سال ۸۳ اخراج شدند و بعد از چند ماه مبارزه توانستند به سر کار برگردند، یک گروه ۴۰ نفره که در حین اعتصاب یک ماه قبل حکم اخراجشان را در تابلوی اعلانات کارخانه دیدند. یک گروه ۷۰ نفره که باید به دنبال حقوق پرداخت نشده بدون. علاوه بر این یک گروه ۱۸ نفره که پارسال اخراج شدند و حقوق و مزایای آنها پرداخت نشده بود. این سیاست ضد کارگری و سرکوبگرانه دولت و کارفرما برای کارگران شناخته شده است. علیرغم این دسته بندیهای ضد کارگری که ایجاد کرده

پیام همبستگی کارگران شاهو به کارگران اعتصابی نساجی

از صفحه ۱

بود. وعده ما جلواستانداری روز سه شنبه ۸/۱۱/۸۴ در اینجا از تمامی مردم سنندج بخصوص کارگران در خواست میکنیم که ما را در این تجمع همراهی و کمک کنند.

زنده باد اتحاد و یک پارچگی
کارگران

زنده باد کارگران نساجی
کردستان
کارگران شاهو سنندج
۸۴/۸/۱۰

کارگران اعتصابی نساجی کردستان

با خبر شدیم امروز سه شنبه ۸/۱۱/۸۴ آخرین مهلت جواب دادن به خواسته های شماست و گویا امروز مجمع عمومی تصمیم میگیرد که فردا ۸/۱۱/۸۴ جلواستانداری تجمع کنید.

ما کارگران شاهو از تجمع شما جلواستانداری حمایت میکنیم و اعلام میکنیم که روز ۸/۱۱/۸۴ همراه شما و با شما خواهیم

کارگران نساجی کردستان پیشنهاد کارفرما و مقامات دولت را رد کردند

از صفحه ۱

بنابراین مذاکرات بی نتیجه ماند و اعتصاب همچنان ادامه دارد.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

۱۷ آبان ماه ۱۳۸۴ - ۸ نوامبر
۲۰۰۵

میکند.

آنها همچنین اعلام کردند اگر دادگاه حق را به کارگران داد مابقی حقوق را پرداخت خواهند کرد. اما اگر دادگاه حق را به کارفرما بدهد حقوق ۲۰ روز پرداخت شده را قسطی از دستمزد کارگران کسر خواهند نمود.

کارگران این پیشنهاد را نپذیرفتند. کارگران نساجی که از روز دوم مهر ماه در اعتصاب بسر میبرند اعلام کردند که همه حقوق دوران اعتصاب را میخواهند.

امروز ۱۷ آبان ماه ۸۴ نمایندگان دولت و کارفرما به کارخانه نساجی رفتند. قربانی مدیر عامل، عبدالمهدی و مصطفی از طرف اطلاعات، نمایندگان استانداری و فرمانداری و اداره کار در جمع کارگران حاضر شدند و اعلام کردند برای پایان برای پایان دادن به اعتصاب علاوه بر اجرای دیگر مطالبات کارگران حقوق ۲۰ روز دوران اعتصاب را هم پرداخت میکنند و برای تعیین تکلیف بقیه روزهای اعتصاب به دادگاه مراجعه

زنده باد جنبش مجمع عمومی!

نمایندگان کارگران نساجی کردستان جلسه کمیسیون را ترک کردند

از صفحه ۱

پنجشنبه مجدداً مجمع عمومی تصمیم خواهد گرفت که چه اقداماتی باید در دستور کارگران اعتصابی قرار گیرد.

همچنین خبری از بخش اداری کارخانه درز کرده است مبنی بر اینکه از طرف بنیاد جانبازان نامه ای به کارخانه رسیده است در این نامه قید شده است که کارخانه نساجی کردستان باید تعطیل شود.

لازم به توضیح است که کارخانه نساجی کردستان متعلق به این بنیاد است. سپهر معاون سیاسی استاندار اعلام کرده است که این نامه را به کارگران ندهند و مفاد این نامه نباید به گوش کارگران برسد تا خودش پی این دستور "نادقیق" را بگیرد. گفته می شود مشکلات کارگران و بحران نساجیها در شهر

سنندج معضلی اصلی برای مقامات دولتی در استان کردستان شده است. سپهر میخواید حتی اگر برای مدتی کوتاه هم شده این مسئله را حل کند، تا اعتصاب کارگران که در سطح شهر بشدت توجه ها را به خود جلب کرده است و حمایتهای مردم را به همراه دارد بشکلی پایان دهد. زیرا معاون سیاسی استاندار تازه وارد و بعد از سرکار آمدن

احمدی نژاد به این شهر آمده است. کمیته کردستان حزب، کارگران نساجی را به ادامه اعتصاب تا رسیدن به مطالباتشان فرامیخواند.

کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۵ آبان ۱۳۸۴ - ۶ نوامبر
۲۰۰۵

یک کارگر دیگر قربانی شرایط نا امن کار شد

از صفحه ۱

مرگ جان خراش یک کارگر در شهر سقز

طبق خبر رسیده به کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران در تاریخ ۱۵/۹/۸۴ یکی از کارگران شرکت خاتم انبیا، در شهر سقز، بنام ابولفضل سیاه ریش، اهل مرند به علت سهل انگاری و بی مبالاتی مسئولین کارگاه زیر

چرخهای یک بولنزر رفت و جان خود را از دست داد.

طبق این خبر نصف جسد کارگر نام برده، با بی حرمتی و بوسيله يك وانت بار به سردخانه بیمارستان سقز انتقال داده شد و نصف دیگر جسد نیز در همان محل حادثه دفن گردید.

در گزارش وقوع حادثه، مسئولین شرکت، سهل انگاری کارگر مذکور را علت حادثه اعلام

کردند. این گزارش طوری تنظیم شده بود که خانواده قربانی نتوانند درخواست غرامت کنند.

خانواده ابولفضل در فقر کامل مالی بسر میبرند. او ۴ ماه دستمزد دریافت نکرده بود.

این در حالی است که همسر ابولفضل به شدت مریض بوده و مسئولین شرکت قصد پرداخت هیچ نوع حقوق قانونی به او را ندارند. این جریان مورد اعتراض بقیه

کارگران این شرکت قرار گرفت. در نتیجه این اعتراض مسئولین شرکت وادار شدند که قبول کنند این حادثه در موقع انجام کار اتفاق افتاده است و باید به خانواده قربانی غرامت پرداخت کنند.

کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری ایران

×××

رادیو
انترناسیونال
۹ هر شب
۴۱ متر برابر با
۷۴۹۰ کیلو هرتز

تلویزیون
کانال جدید
۸ تا ۱۰ شب

مشخصات فنی

Satellite: Telstar
Center Frequency:

12608MHz

SymbolRate:
19279

FEC:2/3

Polarization:
Horizontal

به ایسکرا کمک مالی کنید

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!